



اصول فقه ۲ (حلقه ثانیه)

سطح ۲

درس ۱۸

استاد: حجت الاسلام والمسلمین علم الهدی

آموزشیار: آقای یاسر سعادت

قطع (علم) نسبت به وضوع و اجمالی که در متعلقش وجود دارد، به علم اجمالی و علم تفصیلی تقسیم می‌شود؛ اگر متعلق قطع معین و مشخص باشد، قطع، علم تفصیلی نامیده می‌شود و اگر متعلق آن مردد بین دو یا چند شیء باشد، علم اجمالی نامیده می‌شود.

بحث ما در این درس، در مورد علم اجمالی است. با توجه به ترکیب علم اجمالی از علم به جامع و شک در اطراف، مقدار منجزیت علم اجمالی را مورد بررسی قرار می‌دهیم که آیا شارع مقدس می‌تواند در اطراف علم اجمالی ترخیص صادر کند یا نه؟

العلم الإجمالي

القطع تارةً يتعلّق بشيء محدّد و يُسمّى بالعلم التفصيلي، و مثاله: العلمُ بوجوب صلاة الفجر أو العلمُ بنجاسة هذا الإناء المعيّن. و أخرى يتعلّق بأحد شيئين لا على وجه التعيين، و يُسمّى بالعلم الإجمالي، و مثاله: العلمُ بوجوب صلاة ما في ظهر الجمعة هي إمّا الظهر أو الجمعة دون أن تقدّر على تعيين الوجوب في إحداهما بالضبط، أو العلمُ بنجاسة أحد الإناءين بدون تعيين. و نحن إذا حللنا العلم الإجمالي نجد أنّه مزدوجٌ من العلم بالجامع بين الشيئين، و من شكوك و احتمالات بعدد الأطراف التي يتردّد بينها ذلك الجامع، ففي المثال الأول يوجد عندنا علمٌ بوجوب صلاة ما، و عندنا احتمالان لوجوب صلاة الظهر خاصّةً و لوجوب صلاة الجمعة خاصّةً.

و لا شكّ في أنّ العلم بالجامع منجز، و أنّ الاحتمال في كلّ طرف منجز أيضاً؛ وفقاً لما تقدّم من أنّ كلّ انكشاف منجز مهمما كانت درجته، و لكنّ منجزية القطع على ما عرفت غير معلقة، و منجزية الاحتمال معلقة، و من هنا كان بإمكان المولى في حالات العلم الإجمالي أن يبطل منجزية احتمال هذا الطرف أو ذاك، و ذلك بالترخيص الظاهري في عدم التحقّق، فإذا رخص فقط في إهمال احتمال وجوب صلاة الظهر بطلت منجزية هذا الاحتمال و ظلت منجزية احتمال وجوب الجمعة على حالها، و كذلك منجزية العلم بالجامع فإنّها تظلّ ثابتة أيضاً بمعنى أنّ المكلف لا يمكنه أن يترك كلتا الصلاتين رأساً. و إذا رخص المولى فقط في إهمال احتمال وجوب صلاة الجمعة بطلت منجزية هذا الاحتمال، و ظلت منجزية الباقي كما تقدّم، و بإمكان المولى أن يرخص في كلّ من الطرفين معاً بترخيص ظاهرين، و بهذا تبطل كلّ المنجزيات بما فيها منجزية العلم بالجامع.

علم اجمالی

بر حسب وضوح و ابهام، و تعین و تردیدی که در متعلق قطع وجود دارد، قطع بر دو قسم می‌باشد: اگر متعلق قطع، واضح و معین باشد، بدان علم تفصیلی گویند. مانند: علم به وجوب نماز صبح که هم علم به وجوب داریم که یک حکم تکلیفی است و هم علم به متعلق آن که «نماز صبح» می‌باشد؛ به عبارت دیگر، متعلق آن برای ما معین و واضح می‌باشد و در متعلقش تردید و ابهامی وجود ندارد.

و اگر متعلق قطع، واضح و معین نباشد، بلکه مردّد بین دو یا چند شیء باشد، به آن علم اجمالی می‌گویند. مانند: علم به وجوب نمازی در ظهر جمعه، اما نمی‌دانیم که این وجوب نماز، به نماز ظهر تعلق گرفته است یا به نماز جمعه، لذا متعلق این قطع مردّد بین دو شیء می‌باشد و مانند علم به نجاست یکی از دو ظرف موجود، که نمی‌دانیم کدام یک معیناً نجس است.

FG

معین و واضح ← علم تفصیلی
مردّد بین دو یا چند چیز ← علم اجمالی

متعلق قطع (علم)

تطبیق

العلم الجمالی. القطعُ تارةً يتعلّقُ بشيءٍ محدّدٍ و يُسمّى بالعلمِ التفصیلیّ، و مثاله: العلمُ بوجوبِ صلاةِ الفجرِ^۱ أو العلمُ بنجاسةِ هذا الإناءِ المعینِ^۲.

علم اجمالی. قطع، گاهی به شیئی معین و مشخصی تعلق می‌گیرد و (در این صورت) علم تفصیلی نامیده می‌شود. مانند: علم به وجوب نماز صبح و علم به نجاست این ظرف معین.

و أخرى يتعلّقُ بأحدِ شئیینِ لا علی وجهِ التعیینِ، و يُسمّى بالعلمِ الإجمالیّ، و مثاله: العلمُ بوجوبِ صلاةٍ ما فی ظهرِ الجمعةِ هی إمّا الظهرُ أو الجمعةُ^۳ دونَ أنْ تقدّرَ علی تعینِ الوجوبِ فی إحداهما بالضبطِ، أو العلمُ بنجاسةِ أحدِ الإناءینِ بدونِ تعینِ^۴.

و گاهی قطع به یکی از دو شیئی به صورت غیر معین تعلق می‌گیرد و علم اجمالی نامیده می‌شود. مانند علم به وجوب نمازی در ظهر جمعه که این نماز یا نماز ظهر است و یا نماز جمعه؛ بدون این که بتوانی وجوب نماز را در یکی از این دو نماز معین و مشخص نمایی، و مانند علم به نجاست یکی از این دو ظرف، بدون مشخص و معین بودن ظرف نجس. (یعنی ظرف نجس مردّد بین این دو ظرف می‌باشد).

ترکیب علم اجمالی از دو عنصر علم و شک

۱. مثال برای علم تفصیلی به حکم تکلیفی (وجوب)

۲. مثال برای علم تفصیلی به حکم وضعی (نجاست)

۳. مثال برای علم اجمالی به حکم تکلیفی (وجوب)

۴. مثال برای علم اجمالی به حکم وضعی (نجاست)

اگر علم اجمالی را تحلیل کنیم، می‌بینیم که علم اجمالی از دو عنصر علم و شک تشکیل شده است؛ به تعبیر دیگر، یک طرف علم اجمالی، علم است و طرف دیگر آن شک و اجمال است. لذا آن را علم اجمالی نامیده‌اند.

توضیح

علم اجمالی، یک طرفش علم به جامع افراد می‌باشد و از آن طرف به تعداد افرادی که این جامع بین آن‌ها مردد می‌باشد، شک وجود دارد. مثلاً در مورد علم به وجوب نماز جمعه یا ظهر، در ظهر جمعه ما یک علم به جامع داریم، که عبارت است از علم به وجوب نمازی در ظهر جمعه که مردد بین نماز ظهر و نماز جمعه می‌باشد؛ از آن طرف در مورد وجوب خصوص هر یک از نماز ظهر و یا نماز جمعه، در ظهر جمعه، شک وجود دارد و نمی‌توان به طور یقین گفت که خصوص نماز ظهر در ظهر جمعه، واجب است و همچنین در مورد نماز جمعه نیز نمی‌توان گفت که خصوص نماز جمعه در ظهر جمعه واجب می‌باشد.

FG

۱. علم به جامع
۲. شک در اطراف
} ارکان علم اجمالی

تطبیق

و نحن إذا حللنا العلم الإجمالي نجد أنه مزدوج^۱ من العلم بالجامع بين الشيئين، و من شكوك احتمالات بعدد الأطراف التي يتردد بينها ذلك الجامع.

وقتی که علم اجمالی را تجزیه و تحلیل می‌کنیم، می‌یابیم که علم اجمالی مرکب از دو عنصر است، از علم به جامع بین دو شیء (اگر جامع مردد بین دو شیء باشد و یا چند شیء در صورتی که جامع مردد بین چند شیء باشد) و احتمالات و شک‌هایی که به تعداد اطراف که جامع بین آن‌ها مردد است، متعدد می‌باشد.

ففي المثال الأول يوجد عندنا علمٌ بوجوب صلاةٍ ما، و عندنا احتمالان: لوجوب صلاة الظهر خاصةً، و لوجوب صلاة الجمعة خاصةً.

پس در مثال اولی که برای علم اجمالی زدیم ما یک علم به جامع داریم، که عبارت است از علم به وجوب یک نمازی در ظهر جمعه. در این جا دو احتمال در نزد ما است: یکی وجوب نماز ظهر در این وقت، به طور معین و دیگری وجوب خصوص نماز جمعه در این وقت

Sco۱: ۰۹:۰۱ .

۱. اشاره به اشکال مقدری است که خلاصه آن عبارتست از: « علم اجمالی اگر علم است پس انکشاف و وضوح است و اگر به اجمال متصف شود پس مبهم خواهد بود و چگونه می‌شود که وضوح مبهم باشد؟

در جواب این اشکال گفته می‌شود: علم اجمالی مزدوج است و دارای دو جهت است که یکی از آن‌ها منکشف و دیگری مجمل است که این دو جهت عبارتند از: علم به حکم (علم به جامع) و متعلق حکم، لذا وضوح و ابهام هر کدام متعلق جدا از دیگری دارد و بر یک جهت وارد نشده‌اند که اجتماع نقیضین شود.

جایگاه بحث از علم اجمالی، در علم اصول

همان‌طور که متعرض شدیم، علم اجمالی از دو بخش علم به تکلیف و شک در اطراف تشکیل شده است؛ لذا بحث از علم اجمالی را باید در دو جا دنبال نماییم: یکی در مباحث قطع، چون مشتمل بر قطع به جامع است و دیگری در مباحث اصول عملیه و شک، چون در اطراف علم اجمالی شک داریم، لذا علم اجمالی در دو مبحث قطع و اصول عملیه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

تنجیز در علم اجمالی

چون علم اجمالی مرکب از دو جزء علم به جامع و شک در اطراف است، باید در هر دو بخش از تنجیز تکلیف سخن بگوییم؛ شکی نیست که هم علم به جامع و هم شک در اطراف منجز تکلیف می‌باشد؛ چون بنابر مسلک شهید صدر (مسلک حق الطاعة) مطلق انکشاف - و لو در حد احتمال - منجز تکلیف می‌باشد؛ پس هم علم به وجوب نمازی در ظهر جمعه منجز است و وجوب نمازی را بر عهده ما ثابت می‌کند و هم احتمال وجوب خصوص نماز ظهر، و احتمال وجوب خصوص نماز جمعه، هر یک تکلیفی را به عهده ما ثابت و منجز می‌نماید. در واقع منجزیت علم به جامع با منجزیت شک و احتمال در هر یک از اطراف، در یک مسیر، هم‌دیگر را تقویت می‌کنند؛ لذا منجزیت علم اجمالی از منجزیت احتمال و شک بدوی قوی‌تر است.

حال که علم به جامع منجز تکلیف است، محل بحث است که چه چیزی را بر ذمه مکلف ثابت می‌کند. حداقل چیزی که به واسطه علم اجمالی به عهده مکلف می‌آید امتثال یکی از اطراف می‌باشد، تا جامع محقق شود. همچنین اگر هر کدام از دو احتمال تکلیف که در اطراف علم اجمالی وجود دارد، منجز باشد، اتیان همان طرف را بر عهده مکلف ثابت می‌کند. بنابراین علم به جامع در دو سطح منجز می‌باشد؛ یکی در سطح علم به جامع و دیگری در سطح شک در اطراف، که تنجز علم در این دو سطح باید مورد بررسی قرار گیرد.

ترخیص در اطراف علم اجمالی

چنان‌که قبلاً گذشت، منجزیت قطع، معلق بر عدم ورود ترخیص از سوی شارع نیست و اساساً ورود ترخیص در موارد قطع محال است؛ اما منجزیت احتمال، معلق بر عدم ورود ترخیص می‌باشد؛ حال در مورد علم اجمالی این سؤال مطرح می‌شود که آیا منجزیت علم اجمالی، مطلق است یا معلق؟ به تعبیر دیگر، آیا امکان ترخیص نسبت به تکلیف معلوم بالاجمال وجود دارد، یا مانند تکلیف معلوم بالتفصیل، امکان ترخیص شارع نسبت به آن وجود ندارد؟ پاسخ این سؤال در دو مقام مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱. مقام ثبوت: در این مقام بحث ما در این است که آیا ترخیص در یک طرف یا تمام اطراف علم اجمالی ممکن هست یا نه؟ به عبارت دیگر، در این مقام از استحالة ترخیص شارع نسبت به برخی از اطراف و یا تمام اطراف علم اجمالی بحث می‌کنیم.

۲. مقام اثبات: این مقام، مقام ادله است، مقام «هست و نیست» است؛ یعنی اگر صدور ترخیص شارع نسبت به اطراف علم اجمالی ممکن باشد، آیا ترخیصی از جانب شارع صادر شده است و آیا دلیلی بر این ترخیص دلالت دارد یا نه؟ مثلاً آیا ادله براءت، همان‌طور که شک بدوی را شامل می‌شود، شامل اطراف علم اجمالی نیز می‌شود یا نه؟

مقام اول: امکان ترخیص شارع نسبت به برخی از اطراف علم اجمالی

شارع مقدس، می‌تواند هر یک از اطراف علم اجمالی را از حالت منجزیت ساقط نماید؛ چون در هر یک از اطراف، احتمال تکلیف وجود دارد و منجزیت احتمال، معلق بر عدم ورود ترخیص از جانب شارع مقدس می‌باشد؛ لذا شارع مقدس می‌تواند منجزیت هر یک از اطراف را با صدور ترخیص در آن جانب، ابطال نماید. مثلاً می‌تواند بگوید: اگر احتمال وجوب نماز جمعه و ظهر را می‌دهی، لازم نیست که در مورد نماز جمعه احتیاط کرده و آن را اتیان نمایی، بلکه فقط در صورت علم به وجوب نماز جمعه، آن را اتیان نما.

تطبیق

و لا شكَّ في أنَّ العلمَ بالجامعِ منجزٌ^۱، و أنَّ الاحتمالَ في كلِّ طرفٍ منجزٌ^۲ أيضاً؛

شکی وجود ندارد که هم علم به جامع و هم هر یک از احتمالات موجود در اطراف علم اجمالی، طبق مسلک حق الطاعة منجز تکلیف می‌باشد؛

وفقاً لما تقدّم من^۳ أنَّ كلَّ انكشافٍ منجزٌ مهما كانت درجته، و لكنَّ منجزيةَ القطعِ على ما عرفتَ غيرٌ^۴ معلقة، و منجزيةَ الاحتمالِ معلقةٌ.

زیرا طبق این مسلک هر انکشافی به هر درجه‌ای که باشد منجز تکلیف است لکن منجزیت قطع همان طور که شناختید مطلق می‌باشد و منجزیت احتمال معلق بر عدم ورود ترخیص از جانب شارع مقدس می‌باشد.

و من هنا^۵ كان بإمكان المولى في حالات العلم الإجمالي أنَّ يُبطلَ منجزيةَ احتمالِ هذا الطرفِ^۶ أو ذاك، و ذلك^۷ بالترخيص الظاهريِّ في عدم التحفظ^۸،

و از همین جا (که منجزیت احتمال معلق بر عدم ورود ترخیص از جانب شارع مقدس می‌باشد امکان دارد) که مولی در حالات علم اجمالی منجزیت هر یک از اطراف را با ترخیص ظاهری ابطال نماید

فإذا رخصَ فقط في إهمالِ احتمالِ وجوبِ صلاةِ الظهرِ بطلت منجزيةُ هذا الاحتمالِ و ظلت^۹ منجزيةُ احتمالِ وجوبِ الجمعةِ على حالها.

پس اگر (در وقتی که علم اجمالی به وجوب نماز ظهر یا جمعه در ظهر جمعه وجود دارد) شارع مقدس ترک نماز ظهر را اجازه دهد، منجزیت احتمال وجوب نماز ظهر از بین می‌رود و منجزیت نماز جمعه بر حال خودش باقی می‌ماند و كذلك منجزيةُ العلمِ بالجامعِ فإنَّها تظلُّ ثابتةً أيضاً بمعنى^{۱۰} أنَّ المكلفَ لا يمكنه أن يتركَ كلتا الصلاتينِ رأساً.

۱. هم بنا بر مسلک قبح عقاب بلا بیان و هم بنابر مسلک حق الطاعة.

۲. طبق مسلک «حق الطاعة»

۳. بیان «ما تقدم».

۴. خبر «لكن».

۵. مشار الیه: معلق بودن منجزیت احتمال بر عدم ورود ترخیص.

۶. از اطراف علم اجمالی.

۷. مشار الیه: ابطال منجزیت در هر یک از اطراف علم اجمالی.

۸. یعنی: عدم جعل احتیاط نسبت به برخی از اطراف علم اجمالی.

۹. یعنی: ادامه پیدا می‌کند.

۱۰. تفسیر منجزیت علم به جامع.

همچنین (هنگامی که منجزیت احتمال وجوب نماز ظهر باطل شد) منجزیت علم به جامع نیز باقی می ماند، یعنی مکلف نمی تواند هر دو نماز ظهر و جمعه را ترک نماید (و یکی را باید امتثال نماید).
و إذا رخص المولى فقط في إهمال احتمال وجوب صلاة الجمعة بطلت منجزية هذا الاحتمال، وظلت منجزية الباقي^۱ كما تقدم،

و زمانی که مولى فقط ترک نماز جمعه را اجازه دهد منجزیت احتمال وجوب نماز جمعه باطل می شود و منجزیت احتمال وجوب نماز ظهر و منجزیت علم به جامع به حال خود باقی می ماند.

امکان ترخیص شارع نسبت به تمام اطراف علم اجمالی

در مورد این که آیا شارع مقدس می تواند نسبت به تمام اطراف علم اجمالی، ترخیص صادر نماید و هیچ یک از اطراف علم اجمالی را بر عهده مکلف نگذارد، پاسخ شهید صدر با پاسخ مشهور متفاوت است و ایشان بر خلاف مشهور، صدور ترخیص نسبت به تمام اطراف علم اجمالی را جایز می داند. نکته ای که این جا وجود دارد، این است که با ابطال منجزیت اطراف علم اجمالی، منجزیت علم اجمالی نیز از بین می رود؛ زیرا قوام علم اجمالی به اطراف آن است و اگر هر دو طرف علم اجمالی از جانب شارع، مورد ترخیص قرار بگیرد، منجزیت علم اجمالی هم ابطال می گردد به همین لحاظ مشهور قائلند که شارع نمی تواند نسبت به تمام اطراف علم اجمالی ترخیص صادر نماید؛ زیرا موجب ابطال و از بین رفتن منجزیت علم اجمالی می شود و چون منجزیت علم، ذاتی علم می باشد، قابل جعل و یا رفع نمی باشد. حال باید ببینیم که مرحوم شهید صدر، در پاسخ این اشکال چه می فرماید و چگونه این مشکل را برطرف می نمایند. إن شاء الله در درس بعد پاسخ شهید صدر به این اشکال بیان خواهد شد.

تطبیق

و بإمكان المولى أن يرخّصَ في كلٍّ من الطرفين معاً^۲ بترخيص ظاهرين^۳، و بهذا تبطل كلُّ المنجزيات بما فيها^۴ منجزية العلم بالجامع.

و (ثبوتاً) امکان دارد که شارع مقدس در هر دو طرف علم اجمالی ترخیص ظاهری صادر نماید (زیرا در هر دو طرف شک وجود دارد و با وجود شک، جعل حکم ظاهری بر خلاف حکم واقعی اشکال ندارد) که با این کار تمام منجزها که از جمله آنها علم به جامع است ابطال و ساقط می گردد.

Sc02: ۲۳:۵۳

۱. یعنی: منجزیت احتمال وجوب نماز ظهر و علم به جامع.

۲. زیرا در هر دو طرف شک وجود دارد و با وجود شک جعل حکم ظاهری بر خلاف حکم واقعی اشکال ندارد.

۳. ترخیص واقعی در موارد علم اجمالی نیز ممکن نیست؛ زیرا موجب اجتماع نقیضین می شود.

۴. مرجع ضمیر: المنجزيات. «بما فيها» اصطلاح جدید زبان عربی می باشد و به معنای «به شمولیتش، به همه افرادش» است.

۱. اگر متعلق قطع معین و مشخص باشد، به آن علم تفصیلی گویند و اگر متعلقش مردّد بین دو یا چند چیز باشد به آن علم اجمالی گویند.
۲. علم اجمالی از علم به جامع و شک در اطراف تشکیل شده است؛ بنابر این در علم اصول، علم اجمالی در دو مبحث قطع و اصول عملیه، مورد بحث قرار می‌گیرد.
۳. بنابر مسلک حق الطاعة که مطلق انکشاف را منجز تکلیف می‌داند، در علم اجمالی، هم علم به جامع منجز تکلیف است و هم شک در اطراف.
۴. به نظر شهید صدر، شارع مقدس همان‌طور که می‌تواند نسبت به برخی از اطراف علم اجمالی ترخیص صادر نماید، نسبت به تمام اطراف علم اجمالی نیز می‌تواند ترخیص صادر کند.
۵. ترخیص در تمام اطراف علم اجمالی، موجب ابطال منجزیت علم به جامع می‌گردد.